



جهاد در قرآن (۴)



انگیزه جهاد

به آنان افتد و تمکین دهیم نماز بها دارند
 و زکاة به مستحقان میدهند و امر به معروف و
 نهی از منکر می کنند ، و عاقبت کارها بدست
 خدا است .

این آیه در سال دوم هجرت ، در اولین
 برخورد و جنگ مسلمین که حالت دفاعی
 داشتند نازل شده است .

در مدت ۱۳ سالی که مسلمین در مکه بودند
 انواع شتاد و گرفتاریها از شکنجه و شتم و
 زندان گرفته تا محاصره اقتصادی ، از عتاب ،
 تهدید و ... برای آنان وجود داشت . و هر
 بار که به رسول خدا مراجعه میکردند ، اجازه
 مقابله و دفاع از خود می خواستند ، بیاسیر
 اجازه دفاع نمی دادند ، زیرا آن روز قدرت
 دفاعی نداشتند ، و اسلام هنوز در خارج از
 مکه نفوذ پیدا نکرده بود ، و کم کم بتدریج
 داشت نفوذ پیدا می کرد . در آن شرایط بیش
 از هر چیز باید مردم از انقلاب اسلامی ،
 آگاهی پیدا میکردند زیرا در مراحل اولیه
 انقلاب بودند ، و در هر انقلابی باید مراحل
 انقلاب بتدریج پیش برود ؛ در مرحله ای که
 باید آگاهی داده شود ، صرفا به بیان هدف از
 انقلاب و آگاه ساختن نود و نا آگاهان باید پرداخت
 و یا به تعبیر دیگر ؛ آگاهی مقدمه فرد سازی
 و ساختن مردم است برای مقابله با دشمن ،

لَقَدْ پَرَّ، الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ
 دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا
 رَبَّنَا اللَّهُ، وَكَوَلَّدُوا لِلَّهِ
 النَّاسَ بَعْضِهِمْ بَعْضٌ لِيُفْتِنَهُمْ
 فِي صَوَابِ وَبِغٍ وَتَسْوِغٍ، وَ
 مَا جَعَلَ لِدِينِكُمْ فِيهَا اسْمَ اللَّهِ
 كَثِيرًا، وَلِيُنصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ
 إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ، الَّذِينَ
 إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ اطْمَأَنَّنُوا
 إِلَى اللَّهِ وَأَتُوا زَكَاةَ وَأَمْسُوا
 بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ
 لَئِنْ لَمْ تَفْعَلُوا لَأَكْثَرُنَّ الْكُفْرَانَ
 وَالْمُنْكَرَ وَاللَّهُ شَاقِقٌ الْأَمُورِ

رخصت به جنگجویان اسلام داده شد
 (که با دشمنان بجنگند) زیرا آنها از دشمن
 ستم کشیدند و خدا بر باری آنها قادر است .
 آن مو منانی که بناحق از خانه هایشان آواره
 شدند و جز آنکه می گفتند پروردگار ما خدای یکتا
 است ، و اگر خدا رخصت جنگ ندهد و دفع
 شر بعضی از مردم را بعضی دیگر نکند ، همانا
 صوبه ها و دیر و کشتها و مساجدی که در آن
 ذکر خدا بسیار میشود ، همه خراب و ویران
 میشوند . و هر که خدا را باری کند البته خدا
 او را باری خواهد کرد . که خدا را منتهای
 افتد و توانائی است . (آنانکه خدایا باری
 می کنند) آنهائی هستند که اگر در روی زمین

جهاد را به دو نوع ؛ تدافعی و استدائسی
 تقسیم می کنند ، که برای هر کدام از نظیر
 انگیزه و هدف باید بحثی جداگانه کرد .
 جهاد تدافعی ؛ در شرایطی است که دشمن
 به سرزمین مسلمین یورش برد و تهاجم کند و
 بخواهد کشور اسلامی را اشغال کند ، و یا به
 ثروت و اموال مسلمانان چشم دوخته است و
 قصد غارت و جپاول را داشته باشد ، و یا آن
 را بصورت مستعمره خود در آورد . در هر
 صورت دفاع از تجاوز و تهاجم دشمن از نظر
 عقل و فطرت لازم و ضروری است ، بلکه میتوان
 گفت ؛ این یک حکم کلی عمومی در همه
 جهان هستی است که هر موجودی بنحوی از
 هستی خود دفاع میکند .

اسلام هم که توانس و دستوراتش با منطق
 عقل و خرد منطبق است ، مسئله دفاع را برای
 ملت مسلمان لازم و واجب دانسته است .
 بنا بر این هدف در جنگ های تدافعی روشن
 و مشخص است ؛ هدف دفاع از اسلام و جلو
 گیری از تجاوز و تهاجم خصم و حفظ کمان و
 جان و مال ملت مسلمان است . در این مورد
 قرآن در دو آیه بمسئله دفاع اشاره می کند :

۱ - سوره حج آیه ۳۹ می فرماید ؛
 "أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِكُمْ"
 "فَلْظَلِمُوا وَرَأَى اللَّهُ عَمَلِي تَصَرُّهِمْ"

و بعد در مرحله‌ای که شرایط برای مبارزه و دفاع آماده میشود به دفاع و مبارزه پرداخت. در هر حال عده‌ای از مسلمانان ناچار شدند با اجازه رسول خدا (ص) به حبشه مهاجرت کنند، و بعداً خود پیامبر هم به مدینه مهاجرت کردند، و عده‌ای از مسلمانان به حضرتش پیوستند.

سال دوم هجرت بود که پیامبر برای مصدیره اموال کاروان قریش که از ثام به مکه می‌رفتند، از مدینه خارج شد (المنه این مصدیره در مقابل مصدیره و غارتی بود که قریش نسبت به اموال مسلمین در مکه نموده بودند، گذشتگان اینکه اموال کفار حریس محترم نیست) ولی به کاروان دست نیافت، و کاروان هم از قریش استمداد جست، قریش در نزدیکی جاه بدر آمده بودند. ابوسفیان که رئیس کاروان نجارنی قریش بود به قریش اطلاع داد که کاروان سلامت از دسترس مسلمین خارج شده و شما هم به مکه برگردید. ولی ابوجهل سرسختی نشان داد و با وجود اختلافی که در بین سران قریش بود، تصمیم به جنگ گرفتند و بطرف مسلمانان حرکت کردند.

اینجا است که مسلمانان طبق فرمان و اذن خداوند، مأمور به دفاع میشوند.

اینک به بیان آیه می‌پردازیم:
أُولَئِكَ - یعنی اذن داده شد، فاعل محذوف است، و برای عظمت حذف شده است، و ظاهراً خبر از اذن نمیدهد بلکه انشاء است، و بنا همین کلمه اذن به دفاع صادر میشود، و "مَأْذُونٌ فِيهِ" یعنی چیزی که به اذن اذن داده شده است، محذوف است و آن عبارت از: دفاع و قتال با کسانی است که به قتال با مومنان بر خاسته‌اند.

و آنچه دلیل بر محذوف است جمله "يَقَاتِلُونَ" است که فاعل آن مشرکین است ولی محذوف است و فعل به صورت مجهول بیان شده، و در واقع چنین است:

الَّذِينَ يَقَاتِلُهُمُ الْمُشْرِكِينَ
 یعنی اذن به کسانی داده شده که مشرکین با آنها مقابله می‌کنند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا - ما در اینجا یعنی سبب است، یعنی سبب اینکه به آنان ظلم شده است، و این بیان علت اذن در قتال است. یعنی برای آنان اذن داده شد، بجهت اینکه مورد ظلم واقع گردیدند، و اما این ظلم چه بوده است تفسیرش در جمله‌های بعد می‌آید. پس معنی چنین میشود: اجازه داده شده به مردمی که مورد تهاجم دیگران قرار گرفتند، و دیگران به جنگ آنها آمدند که از خود دفاع کنند و بجنگند، و از تهاجم و تجاوز جلوگیری نمایند.

در اینجا تعبیر به اجازه، دلیل بر اباحت و جواز نیست، بلکه اجازه و اذنی است که بعد از منع و حرمت آمده است، و بیش از این دلالت ندارد که منع برداشته شد و می‌تواند با وجوب و لزوم دفاع، و ظهور در اباحت معنای اخص ندارد، بلکه اباحت و جوازی که با لزوم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی



و وجوب هم سازگار است یعنی منع گذشته برداشته شد، و از تعلیل "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا" استفاده میشود که مظلوم حق دفاع دارد و باید از خود دفاع کند.

سپس وعده یاری و نصرت میدهد و می‌فرماید:
وَأَنَّ اللَّهَ مَعَهُ لِنَصْرِهِمْ لَظَهْرٌ
 خداوند بر یاری اینها قادر است گناهی از اینکه خداوند آنان را یاری میکند، ولی بنا بر بیان اینکه خداوند قادر بر یاری و نصرت آنها است، بطور گناهی وعده نصرت داده است ولی تصریح به اینکه ما آنان را یاری میکنم ننموده است، و شاید این به دو جهت باشد:

۱- اینکه مطلب را بی‌اهمیت و سهل و آسان جلوه دهد، یعنی نصرت و یاری مسلمین کار سهل و ساده‌ای است برای کسی که بر هر چیزی قادر است.

۲- نصرت و یاری خداوند شرایطی دارد که آن شرایط را خود مردم باید فراهم سازند و با رعایت نمایند، که در آینده از آن بحث خواهیم نمود.

سپس آیه در مقام معرفی این گروه یعنی مسلمین و کسانی که به آنها اذن دفاع داده شده بر می‌آید که این معرفی شامل بازه‌ای از ظلمها و ستمهایی است که مشرکین در گذشته بر آنان وارد ساختند، و در واقع بیان علت دفاع است، می‌فرماید:

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ

یعنی اینها مردمی هستند که از شهر و دیار خود، بناحق رانده شدند و جرم آنها فقط این بود که می‌گفتند: "ربنا الله". یعنی چون مشرکین میدیدند که مسلمانها "ربنا الله" می‌گویند، وضعی بوجود آوردند که آنها مجبور به هجرت و ترک شهر و وطن خود گردیدند. گروهی به حبشه و گروهی به مدینه هجرت نمودند.

البنه جمعیتی که - در این آیه - مأمور به دفاع شدند تنها مهاجرین بودند، زیرا گرفتاریهای قبل از هجرت آنان را مجبور به

هزینه تسلیحات

پولی که هر سال صرف اسلحه سازی میشود برابر با درآمد نیمی از مردم جهان است

موسسه کنترل تسلیحات که یک موسسه غیر دولتی در آمریکا است اعلام کرد: هزینه های نظامی در جهان سالانه به پانصد و پنجاه میلیارد دلار رسیده که مبلغ صد میلیارد دلار آن به تولید سلاحهای هسته ای تعلق میگیرد.

بر پایه گزارش این موسسه، آمریکا از نظر مخارج نظامی در جهان مقام اول و شوروی مقام دوم و چین مقام سوم را دارا هستند. به ادعای این موسسه در سال ۱۹۷۸ آمریکا با صرف یکصد و نه میلیارد دلار، شوروی با صرف ۱۰۳ میلیارد دلار، چین با ۳۶ میلیارد دلار، آلمان فدرال با ۲۱ میلیارد دلار در مقام چهارم، فرانسه با ۱۹ میلیارد دلار در مکان پنجم و انگلیس با صرف ۱۵ میلیارد دلار در امور دفاعی بترتیب در مکانهای یکم تا ششم قرار گرفتند.

بر پایه مطالعات یک اقتصاد دان، مخارج سالانه نظامی در کشورهای جهان با درآمد نیمی از مردم جهان برابر است.



طلبه شهید خداداد کریمی متولد ۱۳۳۷، اهل وردجان شهر کرد که از طرف حوزه علمیه اصفهان، مدرسه امام صادق به جبهه اعزام شده بود در تاریخ ۱۲/۱/۶۰ به شهادت رسید.

کند و دفاع از دین خدا نماید، همانا خداوند نیرومند است و هیچ نیرو و قدرتی نمیتواند او را تضعیف کند. و عزیز است یعنی غالب است.

در آیه دیگری به فلسفه دفاع اشاره شده است:

در ذیل داستان بنی اسرائیل که سالها مغلوب و مغلوب دشمن و نوسری خور بودند، و بعد که بخود آمدند از بنامبر زمان خود درخواست کردند که از خدا بخواهد، رئیس و فرماندهی برای آنان تعیین نماید. خداوند هم در پاسخ آنان، طالوت را برای آنها انتخاب فرمود. و طالوت با جمع بنی اسرائیل و شکست دادن به جالوت، آنها را از اسارت و استعمار نجات داد.

در این آیه میفرماید:

"و لولا دفع الله الناس بعضهم بعضا لفسدت الارض"

اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، فساد زمین را فرا میگیرد. و جهت اینکه در این دو آیه مسئله دفع را به خدا نسبت میدهد، شاید این باشد که: خداوند در فطرت و طبیعت انسان مسئله دفاع را قرار داده است که هر فردی بطور فطری و طبیعی در مقام دفاع از خود و شئون مربوط به خودش بر می آید.

در این آیه با جمله: لفسدت الارض اشاره به فلسفه وجودی دفاع اشاره شده است. یعنی اگر مسئله دفاع وجود نداشت، و در فطرت انسانی قرار نمیگرفت، فساد و فتنه های زمین را فرا میگرفت.

پس دفاع از حق و جلوگیری از ظلم باطل، توسط انسانهایی که دارای وجدانی بیدار و فطرتی سالم هستند، از نوامیس حلقه است و آفرینش است. و اگر این انسانها نبودند و یا این خصلت در وجود آنان نبود، باطل و فساد همه جا را جولانگاه خود قرار میداد و تری از حق و صلاح بر روی زمین باقی نمی ماند.

ادامه دارد

ترک دیار و وطن نمود، و گروه انصار که در این جمع بودند چنین وضعی را نداشتند. در اینجا توصیف از باب وصف کل است باعتبار بعضی: گاهی یک مجموعه را به صفتی توصیف میکنند به اعتبار عده و گروهی که در آن مجموعه آن وصف را دارا هستند، و این در قرآن نظائر زیادی دارد.

پس آیه به فلسفه دفاع میبرد از دو میفرماید "و لولا دفع الله الناس..."

اگر خداوند بعضی از مردم را توسط بعضی دیگر دفع نکند یعنی جلو تجاوز و تجاوز جم گروه متجاوز را بوسیله گروه دیگر نگیرد تمام مراکزی که در آنها خدا عبادت میشود از بین خواهد رفت که آن مراکز عبارتند از:

۱- صوامع: جمع صومعه، جایگاهی که زهاد و راهبان از نصاری در کوه و صحرا برای عبادت می ساختند.

۲- بیع: جمع بیعه (بکریا) محل عبادت یهود و نصاری یعنی کنیسه و کلیسا.

۳- صلوات: جمع صلاة، محل صلاة و نماز یهود که از باب نام گذاری محل بنام آنچه در آن واقع میشود به آن محل گفته شده است: صلوات

۴- مساجد: جمع مسجد، معبد و محل سجده مسلمان.

و دلیل اینکه معابد را یاد میکند، با اینکه اگر دفاع نبود اساس و اصل دین محو میگردد آنست که این معابد و آنچه در آنها واقع میشود شعائر و علائمی است که وجود آنها علامت و نشانه وجود دین در جامعه است، و نبود و انهدام آنها نشانه انهدام اصل و اساس دین است، و در جامعهای که مساجد و معابد را از بین بردند نمیتوان گفت دین و آثار دین باقی و برقرار است.

از این آیه استفاده میشود که در ادیان و شرایع سابقه حکم دفاع وجود داشته است.

در ادامه آیه می بینیم وعده نصرت میدهد به کسانی که خدا را یاری کنند، میفرماید:

"ولیتصرن الله" یعنی قسم میخورم که هر آینه یاری می کند خدا کسی را که او را یاری